

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 3, Spring 2022, 1-22
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.35743.2203

The Structural and Content Criticism of the Book
"Al-adab Alarabi Alhadith, Madaresoho Va Fonooho Va
Tatavorohi Va Qazayaho Va Namazejon Menho"

Abdulali Alebooye Langrudi*

Abstract

Modern Arabic literature, because of its important role in transferring the contemporary culture and thoughts of Arabs, enjoys a special status in the curriculum of Arabic language and literature majors in Iranian universities. As a result, to introduce contemporary Arabic literature, various courses entitled contemporary Arabic poetry and prose have been offered at different educational levels. Besides, to achieve this goal, many books and textbooks have been written in Iran and in the Arab world. Undoubtedly, criticizing and reviewing these books is a major step in fulfilling the objectives of teaching contemporary literary texts. Therefore, the present study intends to evaluate the book "*Al-Adab Al-Arabi Al-Hadith;*" authored by Muhammad Saleh Alshanti, using a descriptive-analytical approach. While introducing the book, the article tried to address both its strong points and weaknesses in two domains of form and content. The findings indicate that with regard to form, the book suffers from certain shortcomings such as lack of defining terms, using personal judgments in analyses, compiling rather than

* Associate Professor of Arabic Language & Literature Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, Alebooye@hum.ikiu.ac.ir

Date received: 2022-01-11, Date of acceptance: 2022-04-24



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱

composing, mixing didactic and critical issues, and incoherence of literary approaches.

Keywords: Contemporary Arabic Poetry, Structural and Content Criticism, Highlights, Shortcomings



نقد ساختاری و محتوایی کتاب *الأدب العربي الحديث*؛ مدارسه وفنونه وتطوره وقضایاه ونماذج منه (ادبیات معاصر عربی؛ بررسی مکاتب، فنون ادبی و سیر تحول آن با ذکر نمونه‌هایی از نظم و نثر)

عبدالعلی آل بویه لنگرودی*

چکیده

ادبیات معاصر عربی به دلیل نقش مهمی که در انتقال فرهنگ و اندیشه معاصر عرب دارد، جایگاه ویژه‌ای را در برنامه درسی رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های ایران به خود اختصاص داده است. به طوری که برای آشنایی با ادبیات معاصر عربی، دروس مختلفی در مقاطع مختلف تحصیلی تحت عناوین متون نظم و نثر معاصر عربی ارائه شده است و همچنین به منظور تحقق اهداف آموزش متون معاصر، درس‌گفتارها و کتاب‌های مختلفی چه در ایران و چه در دنیای عرب تدوین و تألیف شده است. بی شک نقد و بررسی آثار منتشر شده در این زمینه، گامی مهم در جهت تحقق اهداف آموزش متون ادبی معاصر خواهد بود. از این رو، جستار حاضر بر آن است تا کتاب «الأدب العربي الحديث؛ مدارسه وفنونه وتطوره وقضایاه ونماذج منه» اثر «محمد صالح الشنطی» را با روش توصیفی-تحلیلی مورد نقد و ارزیابی قرار دهد و ضمن معرفی کتاب به تبیین برجستگی‌ها و کاستی‌های کتاب در دو بخش شکلی و محتوایی بپردازد. برخی از یافته‌های این جستار نشان می‌دهد؛ جامعیت و فراگیری مباحث، هدفمندی در انتخاب متون، تحلیل و بررسی متون نظم و نثر، پرداختن موضوعی به نوآوری‌های ادبی، از مهم‌ترین موارد برجستگی و عدم ارائه تعریف

* دانشیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،
Alebooye@hum.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مشخص از اصطلاحات، دخالت عقائد شخصی در ارائه تحلیل‌ها، آمیختگی مطالب آموزشی و مباحث نقدی، و ناهماهنگی در پرداختن به رویکردهای ادبی؛ از مهم‌ترین موارد کاستی هاست.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر عربی، نقد ساختاری و محتوایی، برجستگی‌ها، کاستی‌ها.

۱. مقدمه و بیان مسئله پژوهش

آشنایی با ادبیات معاصر از جمله واحدهای درسی در رشته زبان و ادبیات عربی در مقاطع مختلف تحصیلی است. این ماده درسی در کنار تاریخ ادبیات ضمن بررسی نمونه‌هایی از آثار شاعران و نویسندگان، سیر تحول شعر و نثر را در دوره معاصر بررسی و تحلیل می‌کند و ویژگی‌های شکلی و محتوایی آن را برای مخاطبان تبیین می‌کند. از این رو ضروری است که درس گفتارها و کتاب‌هایی در این زمینه به عنوان متن درسی تألیف گردد و در اختیار فراگیران قرار گیرد.

برای انجام این امر پژوهشگران و محققان به تألیف آثار زیادی در این زمینه پرداخته‌اند زیرا سیر تحول ادب معاصر چه در حوزه شعر و چه در حوزه نثر آن چنان گسترده، عمیق و متنوع بوده است که برای تبیین ابعاد آن به انجام چنین پژوهش‌هایی به شدت احساس نیاز می‌شود. گرچه هر روزه پژوهش‌های زیادی در قالب کتاب، مقاله، همایش و کارگاه انجام می‌شود ولی انباشت آثار ادبی، افزونی شاعران و گستردگی قلمرو زبان و ادبیات عربی این ضرورت را دوچندان می‌کند. در این میان تألیف کتابی آموزشی و درسی که بتواند چراغ راه علاقه‌مندان به ادب معاصر عربی باشد، بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا کتاب آموزشی از یک سو باید با نیاز مخاطبان همخوانی داشته باشد و از سوی دیگر باید همه مطالب مورد بحث را در بر بگیرد. کتاب «الأدب العربی الحدیث؛ مدارس و فنونه و تطوره و قضایاه و نماذج منه» تألیف محمد صالح الشنطی را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. نویسنده کتاب در مقدمه چاپ اول بیان می‌دارد:

فإن هذا الكتاب الذي يتخذ من الأدب العربی الحدیث و فنونه و مدارس و تطوره و نماذج مدرسه منه موضوعاً لها قد ألف من أجل هدف واضح و هو توفير مرجع بسیط یلم إلمامة شاملة موجزة بأهم الموضوعات المتعلقة بأدبنا المعاصر، فقد شعرت من خلال تدریسی

نقد ساختاری و محتوایی کتاب *الأدب ... (عبدالعلی آل بویه لنگرودی)* ۵

لهذه المادة أن الحاجة ماسة إلى كتاب يجد فيه الطالب الجامعي و المثقف العادي بُغيته فيه خلاصات مجزية لهذا الأدب (شعره و نثره)

این کتاب که موضوع آن ادبیات معاصر عربی... است برای هدفی مشخص تألیف شده است و آن هدف عبارت است از فراهم نمودن یک منبع ساده که مهمترین موضوعات مربوط به ادب معاصر را به اختصار مورد بحث و بررسی همه جانبه قرار دهد؛ زیرا در مدتی که این ماده درسی را تدریس می‌کردم احساس کردم که جای یک کتاب که در آن مباحثی کوتاه و گویا درباره ادب معاصر (شعر و نثر) باشد و نیازهای دانشجوی رشته عربی و افراد تحصیلکرده و علاقه مند به ادب عربی را تامین کند بسیار خالی است (الشنتطی، ۲۰۰۱: ص ۱۳).

وی در ادامه با بیان این مطلب که منابع در زمینه ادب معاصر بسیار فراوان است و جستجوی یک موضوع و پژوهش درباره آن در این منابع قدم گذاشتن در راه پر پیچ و خم است، بر ضرورت تألیف چنین کتابی که در دسترس همگان باشد بیش از پیش تأکید می‌کند و تلاش خود را بیشتر معطوف گزینش متون نظم و نثر و تحلیل و تبیین آن قرار می‌دهد تا هم دانشجوی متخصص از آن بهره‌بردار و هم دیگر خوانندگان را سودمند افتد. لذا این پژوهش در نظر دارد ضمن معرفی همه جانبه این اثر، آن را نقد و بررسی کند. به منظور انجام این مهم طرح دو سؤال ضرورت دارد:

۱. برجستگی های کتاب «الادب العربی الحدیث از نظر ساختاری و محتوایی» در چه مواردی قابل مشاهده است؟

۲. کاستی های کتاب «الادب العربی الحدیث» از نظر ساختاری و محتوایی در چه مواردی خود را نشان می‌دهد؟

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه نقد و بررسی کتب نگاشته شده داخلی و جهانی در حوزه ادبیات معاصر پژوهش‌های متعددی انجام شده است که برخی از آنها عبارتند از:

میرزایی و ابویسانی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «تحلیل انتقادی الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث» به این نتیجه دست یافتند که نویسنده در ارائه موضوعات شعر معاصر عرب و تدوین کتاب از رویکردی تاریخی - نقدی و بر اساس تقسیم‌بندی

جغرافیایی بهره برده است. این کتاب را باید در زمره آن دسته از نوشته‌های «دائرةالمعارفی» به شمار آورد که تلاش نویسنده گردآوری حداکثر اطلاعات پیرامون یک موضوع و ارائه آن در سیر تاریخی‌اش است که همین امر این کتاب را به مرجعی برای پژوهش‌گران شعر معاصر تبدیل کرده است.

سلیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «ضرورت بازتحلیل متون آموزشی گروه‌های عربی در دانشگاه‌های کشور رویکردی انتقادی به الشعر العربی الحدیث من احمد شوقی الی محمود درویش» نشان داده است که این کتاب، نقص‌هایی از جمله بی‌تناسبی میان نام کتاب و محتوای آن، غلبه صبغه تاریخی به جای رویکرد تحلیلی بر کتاب، شتاب‌زدگی و یک‌سونگری در داوری، کم‌توجهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، فراوانی متون و فقدان تحلیل کافی برای آن‌ها و... دارد.

اکبری زاده (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی و نقد کتاب أعلام الأدب العربی الحدیث واتجاهاتهم الفنية» نشان داده است که باوجود دستاوردهای کتاب برپایه نگاه نقدی ویژه‌العشماوی در کاربست تجربه شخصی و تحلیل ذوقی در نقد ادبی و نیز شمولیت بحث در چهار حوزه مهم از ادبیات، این کتاب از لحاظ برخی نکات محتوایی و غالباً شکلی دچار نقیصه‌هایی است که مهم‌ترین آن قلت منابع و مآخذ، ضعف ارجاع‌دهی، و نداشتن جامعیت صوری به‌ویژه نداشتن منابع است. ازاین‌رو، نمی‌توان آن را مرجعی همه‌جانبه و درزمره منابع اصلی برنامه آموزشی رشته زبان و ادبیات عرب معرفی کرد.

رجبی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی - انتقادی کتاب دراسات فی الأدب العربی الحدیث» نشان داد که کتاب مذکور دربردارنده اطلاعاتی مفید است و باتوجه به پرداختن به دو بخش شعر و نثر گستردگی مطلوبی دارد، اما به‌نظر می‌رسد به‌دلیل نداشتن روشی علمی در نقد و رعایت نکردن برخی اصول پذیرفته‌شده در این حوزه، به‌بازبینی و اعمال تغییرات اساسی نیاز دارد.

میرزایی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل انتقادی کتاب فی نظریة الروایة: بحث فی تقنیات السرد تلاشی برای بومی‌سازی گفتمان‌کاوی داستان» به این نتیجه دست یافته است که این کتاب گفتمان‌کاوی داستان را برپایه میراث کهن داستانی عرب و روایت‌شناسی نوین مغرب‌زمین بنا نهاده و در زمینه ساخت واژه‌های معادل در نقد داستان پیروز بوده

است؛ چنان‌که می‌توان آن را منبعی برای درس نثر معاصر عربی دوره دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های ایران پیشنهاد کرد.

مطالعه پیشینه پژوهش مؤید اهمیت فراوان ادبیات معاصر در رشته زبان و ادبیات عربی و نیز توجه کم نظیر محققان به حوزه نقد کتب تالیف شده در این حوزه است. بنابراین جستار حاضر نیز از این حیث که به معرفی و نقد یکی دیگر از کتب تالیفی حوزه ادبیات معاصر یعنی «الأدب العربی الحدیث» نوشته‌ی محمد صالح الشنطی می‌پردازد، دارای نوآوری است.

۳. معرفی اجمالی کتاب «الأدب العربی الحدیث»

کتاب «الأدب العربی الحدیث؛ مدارس و فنونه و تطوره و قضاياه و نماذج منه» در قطع وزیری و ۴۹۸ صفحه در سال ۱۴۲۳ هجری برابر با سال ۲۰۰۱ میلادی توسط انتشارات «دار الأندلس للنشر و التوزیع» در کشور عربستان سعودی به چاپ سوم رسیده است. چاپ اول و دوم آن نیز در همین انتشارات به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ میلادی به زیور طبع آراسته شده است. این اثر در دو بخش، چهار باب و یک پیش‌گفتار تنظیم شده است؛ بخش اول به سیر تحول شعر عربی معاصر و بخش دوم به نثر و انواع آن اختصاص دارد. در پیش‌گفتار و در بیست و نه صفحه، مؤلف کوشیده است درباره وضعیت ادب عربی در دوران پیش از نهضت بپردازد و درباره چگونگی شکل‌گیری ادبیات معاصر و عواملی که باعث پیدایش نهضت ادبی در دوران معاصر شده است سخن بگوید.

در بخش اول از کتاب و در نود و سه صفحه به بحث درباره «مدرسة المحافظین» می‌پردازد در چهار مرحله از آن سخن می‌گوید؛ مرحله آغازین، مرحله پیشگامی، مرحله تثبیت و مرحله نوگرایی. باب دوم از بخش اول با عنوان به «سوی نوگرایی» آغاز می‌شود و در صد و چهل و یک صفحه، جریان‌های ادبی رمانتیسیم را از جماعت دیوان و ادبیات مهجر گرفته تا جماعت آپولون معرفی می‌کند سپس ویژگی‌های کلی این جریان ادبی را با ذکر نمونه‌هایی از اشعار شاعران برجسته بیان می‌دارد. سرانجام این بخش را با بررسی رویکردهای سمبلیسم در ادب معاصر عربی، شعر نو و نمایشنامه منظوم به پایان می‌برد.

در بخش دوم و در بررسی نثر و انواع آن، نویسنده می‌کوشد در دو باب، فنون قدیمی و جدید نثر معاصر را معرفی کند. در باب اول و در پنجاه و هشت صفحه فنون قدیمی نثر، خطابه و انواع آن را در گذشته و حال، رساله نویسی در ادبیات معاصر عربی، مقامه نویسی در دوره معاصر و سرانجام سیره نویسی و شرح حال نویسی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در باب دوم به بررسی فنون جدید نثر می‌پردازد. و این باب و درصد و سی و پنج صفحه، با ذکر مطالبی درباره مقاله نویسی در ادبیات معاصر عربی و داستان کوتاه شروع می‌شود و با بررسی رمان و نمایشنامه منظوم به پایان می‌رسد.

۴. نقد ساختاری کتاب

۱.۴ برجستگی‌ها

۱.۱.۴ تنظیم مطالب در بخش‌ها و فصل‌ها

نظم بخشی و سازماندهی مطالب در بخش‌ها و فصل‌ها، بهره‌گیری از عنوان‌های فرعی در تنظیم مطالب، تفکیک هر بخش با عنوان‌های مستقل، و سرانجام جمع‌بندی آن به صورت کوتاه و گویا از جمله برجستگی‌های ساختاری این کتاب است. گرچه در تنظیم مطالب و سازماندهی محتوای کتاب، از شیوه‌ی سنتی پیروی شده است و بیشتر به شاعران پیشگام در هر رویکرد ادبی پرداخته شده است. به طوری که، در آغاز نمونه‌ای از اشعار شاعران ذکر می‌شود، سپس معانی و مفاهیم ابیات تبیین می‌گردد و با بهره‌گیری از عناوینی نظیر المفردات، المعانی الجزئية، خصایص هذا النص، الخصایص الاسلوبية، القيم الفنية والتشكيل الجمالی و ویژگی‌های فنی و ادبی و زیبایی‌های این آثار بررسی می‌شود. در پایان هر فصل کوشش شده است که مباحث آن در دسته‌بندی و در قالب پاراگراف‌های کوتاه به مخاطبان ارائه شود. این دسته‌بندی گاه مشتمل بر سبک و شیوه خود شاعر است و گاه مشتمل بر ویژگی‌های عام جریان ادبی است که شاعر به آن متسبب است و با عناوینی مانند العوامل المؤثرة فی شعره، خصایص شعره و خصایص المدرسه... بیان می‌شود. در پایان هر باب منابعی را برای مطالعه بیشتر به خوانندگان معرفی می‌کند.

۲.۱.۴ بهره‌گیری از صفحه‌آرایی مناسب

تنظیم شکلی مطالب در هر صفحه از نظر تعداد سطرها، حجم پارگراف‌ها و بهره‌گیری از عنوان‌هایی فرعی و سرانجام استفاده از فونت‌های ریز و درشت مناسب نقش زیادی در زیبایی ظاهری کتاب دارد و این موضوع از کتابی به کتاب دیگر متفاوت است. با توجه به آموزشی بودن این اثر به نظر می‌رسد از صفحه‌آرایی مناسبی برخوردار است. با این‌که تعداد سطرها در هر صفحه بین بیست تا بیست و چهار سطر است ولی با توجه فاصله بین سطرها کتاب از سفیدخوانی مطلوبی بهره‌مند است که خواننده را نمی‌آزارد. تنظیم ابیات با فونت سیاه و درشت و تنظیم متن کتاب با فونت نازک به ای سفیدخوانی کمک کند.

۲.۴ کاستی‌ها

بررسی‌های ساختاری کتاب نشان می‌دهد که این اثر در بخش ساختاری دارای کاستی‌هایی است که مهم‌ترین موارد آن به این شرح است.

۱.۲.۴ ناهماهنگی میان عنوان‌های اصلی در فهرست و متن کتاب

اولین نکته‌ای که توجه هر خواننده را به خود جلب می‌کند عنوان اصلی کتاب است که دوبار تکرار شده ولی با هم هماهنگ نیست. *الأدب العربی؛ عصوره و فنونه و قضایاه و مختارات مدرسه من نصوصه. الأدب العربی الحدیث؛ مدارسه و فنونه و تطوره و قضایاه و نماذج منه؛* گرچه عنوان اول عنوان عام و کلی برای مجموعه این کتاب‌هاست و باید عام‌تر باشد، اما بهتر بود در انتخاب واژه‌ها دقت بیشتری می‌شد. این ناهماهنگی در کاربرد دو واژه مختارات و نماذج بیشتر به چشم می‌آید. این موضوع را می‌توان در ناهماهنگی میان عناوین فرعی مباحث در فهرست و در متن اصلی کتاب هم مشاهده کرد. به عنوان مثال در فهرست آمده است:

القسم الأول؛ الشعر العربی الحدیث و تطوره؛ (ص ۳) و همین عنوان در متن کتاب به صورت القسم الأول؛ الشعر الحدیث بین المحافظة و التجدید (ص ۳۳). والباب الأول؛ مدرسة المحافظین (الإحیاء و البعث) (ص ۳) و همین عنوان به صورت المدرسة الإتیاعیة و مراحلها (ص ۳۳) ذکر شده است. در بخش دوم کتاب نیز همین ناهماهنگی به چشم می‌خورد. در

فهرست آمده است: النثر و فنونه فی الأدب الحدیث. تمهید: تطور النثر العربی الحدیث؛ (ص ۴) و در متن کتاب این گونه ذکر شده است: النثر فی العصر الحدیث؛ تطور النثر العربی الحدیث؛ تمهید: الطور الأول - مرحلة الأنتقال (ص ۲۹۱).

۲.۲.۴ ناهماهنگی میان عنوان‌های فرعی

در به کارگیری عناوین فرعی در قسمت معانی واژه‌ها و شرح ابیات ناهماهنگی‌های زیادتری به چشم می‌خورد که موجب سردرگمی مخاطب می‌گردد. در بررسی نمونه‌هایی از شعر بارودی، برای هر یک از مراحل تحول شعری او نمونه‌ای می‌آورد و به بیان مفاهیم آن می‌پردازد. بعد از ذکر نمونه اول از شعر او، شرح ابیات را ذیل عنوان خصائص هذا النص؛ (ص ۵۲) و بعد از نمونه دوم ذیل عنوان الخصائص الأسلوبية (ص ۵۳) و در نمونه سوم ذیل عنوان النص (ص ۵۵) می‌آورد، در حالی که بیشتر مطالب در ذیل این عناوین یکی است و به شرح ابیات اختصاص دارد. در همین قسمت شرح ابیات، شماره گذاری پارگراف‌ها گاهی به صورت حروف یعنی اولاً، ثانیاً، ثالثاً و گاهی به صورت عدد ۱، ۲، ۳ انجام می‌شود و این ناهماهنگی در جای جای کتاب مشاهده می‌شود. این شیوه در بخش‌های بعدی نیز مشاهده می‌شود.

۳.۲.۴ عدم انسجام در حجم مطالب

هماهنگی در حجم فصول و مطالب، یکی از شرایط لازم در یک اثر پژوهشی است. گرچه ممکن است این سؤال مطرح شود که همه مباحث از ارزش علمی یکسانی برخوردار نبوده و ممکن است نیاز مند بحث، بررسی و شرح و تفصیل بیشتری باشد، اما از آنجایی که این اثر آموزشی است نیاز است که به این نکته بیشتر دقت شود. ولی در اثر مورد بحث، این ناهماهنگی سخت به چشم می‌خورد. نگاهی به حجم صفحات اختصاص یافته به هر رویکرد ادبی، ما را از هرگونه پیش داوری بی‌نیاز می‌کند. باب اول کتاب که یک رویکرد ادبی را بررسی می‌کند هشتاد و پنج صفحه و باب دوم کتاب که هفت رویکرد ادبی را بررسی می‌کند در صد و چهل و یک صفحه تنظیم شده است که میانگین به هر رویکرد ادبی بیست صفحه اختصاص می‌یابد. با این که می‌دانیم در سیر تحول شعر معاصر عربی رویکرد‌های جدید به علت پیچیدگی و گستردگی نیاز مند تحلیل و بررسی بیشتری است.

۵. نقد محتوایی کتاب

در این بخش به نقد محتوای کتاب «الأدب العربی الحدیث» در دو بخش برجستگی ها و کاستی ها پرداخته می شود.

۱.۵ برجستگی ها

یافته های این پژوهش برجستگی های کتاب را در موارد ذیل نشان می دهد؛ جامعیت و فراگیری مباحث، هدفمندی در انتخاب متون، تحلیل و بررسی متون نظم و نثر، پرداختن موضوعی به نوآوری های ادبی، تنوع و تعدد منابع تخصصی.

۱.۱.۵ جامعیت و فراگیری

جامعیت و فراگیری از بارزترین ویژگی های برجسته این کتاب است. نویسندگان با هدفی که در این کتاب دنبال می کنند می کوشد از همه جریانها و رویکردهای تاثیر گذار در تحول شعر معاصر هر چند اندک سخن بگویند و از هر یک از آنها نمونه هایی کوتاه از متون نظم و نثر بیاورد و آن را شرح و تحلیل کند. حال آن که در آثار مشابه بیشتر به معانی واژه ها بسنده می شود و کمتر به شرح و تحلیل پرداخته می شود؛ این رویکرد در تالیف این اثر توانسته است تا حد بسیار زیادی نیاز مخاطبان را تامین نماید و اثری جامع در اختیار آنان قرار دهد. این ویژگی در بخش نثر هم قابل مشاهده است لذا مؤلف نگاه جامع خود را به این بخش هم تسری داده و از رویکردهای سنتی نثر معاصر تا رویکردهای مدرن نمونه هایی را ذکر کرده است در انتخاب شاعران و نویسندگان یک نوع وسواس و دقت به خرج داده و به پیشگامان و تاثیرگذاران این عرصه پرداخته است.

۲.۱.۵ هدفمندی در انتخاب متون

با نگاهی کلی به بخش های مختلف کتاب می توان دریافت که مؤلف در یک مسیر مشخص گام بر می دارد. وی رویکرد پژوهشی خود را ترتیب زمانی قرار داده است، سیر تحول ادبیات را در دوره معاصر بر اساس زمان شکل گیری جریانها و مکتب های ادبی پیگیری می کند. با این وجود از موضوع مکان هم غافل نبوده است و کوشیده تا تنوع

اقلیمی را هم رعایت کند لذا از همه کشورها نمونه‌هایی را به مخاطبان معرفی می‌کند. این ویژگی در بخش بررسی جریان رمانیسم و واقع‌گرایی و بیشتر در نوآوری شکلی و هماهنگی محتوایی؟؟؟؟ بیشتر مشهود است. به عنوان مثال یکی از دغدغه‌های شاعر رمانتیسم حل معمای هستی است؛ از این رو بخش زیادی از اشعار آنان به جهان هستی، آفرینش انسان و به مرگ اندیشی اختصاص دارد که باعث شده است ناقدان نام شعر تأملی را برای آن برگزینند. از این نمونه‌ها می‌توان به قصیده‌های الی‌المجهول سروده عبدالرحمن شکری، (۱۲۹) فی ظل وادی الموت سروده ابوالقاسم شبابی، (۲۰۰) والشاعر المتحضر سروده عبدالقادر المازنی، (۱۴۳) یاد کرد. البته می‌توان نوآوری‌های این جریان ادبی را در ساختار قصیده نظیر تنوع در وزن و قافیه نیز مشاهده کرد.

۳.۱.۵ تحلیل و بررسی متون

می‌توان ادعا کرد که نویسنده هیچ‌یک از این نمونه‌های نظم و نثر را؛ جز در مواردی اندک؛ بدون شرح و تحلیل رها نکرده است. لذا در شرح و تبیین ابیات می‌کوشد مطالب را با دسته‌بندی در پاراگراف‌های کوتاه و شماره‌گذاری شده، بیان کند. این امر یادگیری و حفظ مطالب را برای خواننده تسهیل می‌کند. وانگهی در کنار شرح واژه‌ها و بیان معنی و مفهوم ابیات می‌کوشد با نگاهی نقادانه برخی از زیبایی‌های هنری و ادبی شعر اشاره کند و به نقد شکلی و محتوایی آن پردازد و در این مسیر تنها به دیدگاه خود بسنده نمی‌کند بلکه به دیدگاه‌های ناقدان نیز استناد می‌کند. این استنادها به اعتبار علمی و پژوهشی اثر می‌افزاید. در آغاز هر فصل نیز اشاره‌ای کوتاه به سیر تاریخی جریان ادبی دارد؛ اگر چه این ویژگی جزء اهداف کتاب نبوده ولی به فهم مطلب کمک می‌کند.

۴.۱.۵ پرداختن موضوعی به نوآوری‌های ادبی

شعر در دوره معاصر شاهد تحول در ساختار و مضمون بوده است و هریک از شاعران کم و بیش در این مسیر گام برداشته‌اند. این رویکرد در میان شاعران جریان ادبی کلاسیسم و رمانتیسم نمود بیشتری دارد. نویسنده در تلاش است که برای هریک از آنان بحثی مستقل ارائه دهد. به عنوان مثال المسرحیه الشعرية (نمایشنامه منظوم) و سیر تحول آن را در ادبیات معاصر عربی (ص ۲۶۸) در چهار مرحله پیشگامی، نوآوری، نگاه فلسفی و نمادین و

نقد ساختاری و محتوایی کتاب/الأدب ... (عبدالعلی آل بویه لنگرودی) ۱۳

سرانجام مرحله تنوع و تعدد مورد بحث و بررسی قرار می دهد و ویژگی های بارز اشعار شاعران شاخص هر دوره را بیان می کند. همین رویکرد را در مورد القصة الشعرية (داستان منظوم) (ص ۱۴۷) دنبال می کند که در منابع مشابه کمتر به آن پرداخته می شود و از نکات بسیار مثبت این اثر به شمار می آید. می آید.

همین نکات باعث شده است که بتوان این کتاب را به عنوان منبع اصلی درس ادبیات معاصر در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی معرفی کرد.

۵.۱.۵ تنوع و تعدد منابع تخصصی

بهره گیری از منابع تخصصی و معرفی منابع بیشتر به مخاطبان جهت مطالعه و آگاهی بیشتر در پایان هر فصل، از جمله برجستگی های این اثر به شمار می رود. گرچه در آثار آموزشی که به شکل درسی و کمک درسی تالیف می شود، در متن کتاب از ذکر منابع و شماره صفحه خودداری می شود و منابع یکجا در پایان کتاب می آید؛ ولی در این کتاب در ذیل برخی صفحات منابع ذکر شده و در پایان کتاب هیچ منبعی ذکر نشده است. نویسنده می کوشد گاه و بیگاه مطالب خود را گاه بیگاه مستند به منابع تخصصی نماید. وی این منابع را در پایان هر مبحث تخصصی ذکر می کند. این شیوه در بخش نثر از کتاب نمود بیشتری دارد و ذیل عنوان المراجع منابع به مخاطب معرفی می شود. گرچه برخی ناهماهنگی های ساختاری در ذکر منابع و استناد به آن به چشم می خورد ولی در نگاه کلی از برجستگی های کتاب محسوب می شود.

۲.۵ کاستی ها

بررسی های محتوایی کتاب نشان می دهد که این اثر در بخش محتوایی کاستی هایی است که مهم ترین موارد آن به این شرح است.

۱.۲.۵ عدم ارائه تعریف مشخص از اصطلاحات

برگزیدن عنوانی جامع و فراگیر شاید برای خواننده جذابیت آفرین باشد ولی پرداختن به آن در یک جلد و بررسی همه جانبه آن غیر ممکن است. از این رو نمی توان به همه جوانب موضوع پرداخت. در عنوان (الأدب العربی الحدیث؛ مدارس و فنونه و تطوره و قضایاه و

نماذج منه) ادعا می‌شود که مکاتب و فنون ادبی، سیر تحول و مسایل آن را بررسی خواهد کرد؛ گستردگی در موضوع نشان از عدم دقت کافی در گزینش این عنوان از سوی نویسنده دارد. لذا بررسی هریک از این ویژگی‌ها مستلزم نگارش کتابی مستقل است. چگونه نویسنده مدعی می‌شود که می‌خواهد همه این موارد را بررسی کند. مسلم است که نمی‌توان به همه این موضوعات به تفصیل سخن گفت. از سوی دیگر اساساً کاربرد مدارس به معنای مکاتب ادبی در خصوص جریان‌های ادبی معاصر مورد اتفاق همه ناقدان نیست زیرا یک مکتب ادبی در بستر زمان شکل می‌گیرد و دارای چهارچوب نظری مشخص است و دارای پیروان و بزرگانی است که با آفرینش آثار ادبی خود در سیرتحولات ادبی بسیار تاثیر گذار است. لذا در این اثر هیچ‌گونه تعریف یا چهارچوبی درباره این واژه‌ها که در عنوان اصلی و فرعی کتاب به کار رفته نشده است و از این حیث خواننده سردرگم می‌ماند.

ناقدان معمولاً میان دو اصطلاح معاصر و حدیث تفاوت قائل می‌شوند. علی‌عشری زاید در کتاب عن بناء القصيدة العربية الحديثة در خصوص کلمة الحدیثة که در عنوان کتاب آمده است می‌نویسد:

الحداثة در عنوان این پژوهش مقوله‌ای فنی است نه مقوله‌ای زمانی. لذا منظور از شعر حدیث (مدرن) به معنای آن نیست که در دوره معاصر نوشته شده باشد بلکه بدان معناست که از ویژگی و اسلوب شعر مدرن بهره‌مند است. (عشری زاید، ۹)

ولی شنتی هیچ تعریفی از معاصر یا حدیث ارائه نداده است و چنانچه از مطالب کتاب پیداست مفهوم زمانی «حدیث» به معنای معاصر را در نظر داشته است. این نکته در خصوص سایر کلمات به کار رفته در عنوان نیز صادق است. از جمله کاربرد اصطلاحات فنی نظیر «المفارقة» به معنای تناقض، ناسازواری؛ توریه به معنای ایهام، (ص ۴۲) که بدون هیچ تعریف یا توضیحی رها می‌شود. در برخی موارد هم اصطلاحات با یکدیگر خلط می‌شود. به عنوان مثال دو اصطلاح وحدت موضوعی و وحدت ارگانیک یا انداموار را به یک معنا به کار می‌برد. در شرح یکی از قصاید می‌نویسد: «پس از مطالعه دقیق این متن بر ما معلوم می‌شود که شاعر پایبند شیوه قداما در ساختار فنی قصیده است. زیرا به جای وحدت موضوعی (ارگانیک) به وحدت بیت روی آورده است.» (۶۶) همان‌طور که ملاحظه می‌شود این دو اصطلاح را به یک معنا به کار می‌برد. اما در بخش دیگر و در شرح قصیده‌ای از احمد شوقی، این دو اصطلاح را مستقل از هم به کار می‌برد؛ او می‌نویسد:

با این که این قصیده دارای وحدت موضوعی است ولی نیاز به وحدت ارگانیک دارد؛ وحدتی که اجزای قصیده را یک موجود زنده به هم پیوسته قرار می دهد، که اگر جزئی از قصیده حذف شود ساختار قصیده در هم می ریزد. (ص ۹۱)

این ناهماهنگی مطلب دیگری را به ذهن متبادر می سازد که این مطالب منقول از منابع متعدد است و نویسنده نتوانسته است تعریفی کامل و منسجم از اصطلاحات ارائه دهد.

۲.۲.۵ دخالت عقائد شخصی در ارائه تحلیل‌ها

نویسنده در مقدمه کتاب بیان می کند که از هرگونه گرایش جانبدارانه در انتخاب نمونه های شعری دوری کرده و از آوردن مطالبی که با عقاید دیگران در تعارض باشد پرهیز کرده است و تلاش کرده تا اعتقادات خود را وارد مباحث علمی نکند و در این زمینه می گوید:

با این که آشفتگی های فکری و اعتقادی و گرایش های لائیک و التقاطی بر ادبیات عرب سایه انداخته ولی تمام سعی من بر این بوده که نمونه هایی را برگزینم که با عقیده و مذهب کسی در تعارض نباشد، وانگهی باید تاکید کنم که اساس انتخاب متون را ارضای تمایلات نفسانی خود قرار ندادم، زیرا وظیفه داشتم به اصل موضوع محوری و همه جانبه نگری پایبند باشم تا بتوانم نمونه های جامعی را از نظر موضوعی و فنی برگزینم (ص ۱۴).

با این وجود در بررسی نمونه ها و ذکر نام برخی از آثار نویسندگان نگاهی شخصی و اعتقادی داشته و از ذکر برخی از ابیات خودداری کرده است. نمونه بارز این نوع نگاه را در قصیده «العودة» سروده ابراهیم ناجی از شاعران جریان ادبی آپولون می توان مشاهده کرد. قصیده این گونه آغاز می شود.

هذه الكعبة كنا طائفها
و المصلين صباحا و مساء
كم سجدنا و عبدنا الحسن فيها
كيف بالله رجعنا غرباء

شاعر در این قصیده حال و روز خویش را به هنگام بازگشت به خانه خود بیان می کند که مدت ها از آن دور بوده و با یادآوری روز های خوش وصال در کنار محبوب، خانه را به کعبه تشبیه می کند که شبانه روز در آن مشغول عبادت و نماز بوده و چه بسیار که زیبایی را در آن پرستش کرده است. ولی نویسنده با حذف این دو بیت از قصیده در

پاورقی می‌نویسد: «به سبب خارج شدن معنی و مفهوم بیت از حد معقول و مقبول دوبیت اول و دوم از قصیده حذف گردید» (ص ۱۸۹). در ادامه بحث وقتی مجبور می‌شود مطلع بیت را در بخش «إضاءة» بیاورد. پس از ذکر مطلع می‌نویسد:

شاعر در مطلع قصیده و در بیان علاقمندی اش به خانه محبوب غلو می‌کند و با گستاخی آن را به چیزی که شایسته نبود تشبیه می‌کند. و مرکب‌آیال و غلبه عاطفه او را وا می‌دارد که بر سیل مجاز و مبالغه از حد تجاوز کند (ص ۱۹۱).

اگر این رویکرد مؤلف را دخالت عقاید شخصی ندانیم چگونه می‌توانیم آن توجیه کنیم و این نگاه او درست بر خلاف مطلبی است که در مقدمه بر آن تاکید کرده است. در بخش دوم از کتاب نیز به هنگام ذکر رمان‌های نجیب محفوظ از کلمه عبث پیش از کلمه اقدار که مجموعاً نام رمان است خودداری می‌کند و آن را این‌گونه می‌نویسد: «...الأقدار» (ص ۴۵۸). این نوع رویکردها شایسته یک پژوهشی علمی که پژوهشگر باید موضعی بی‌طرف در آن داشته باشد نیست.

۳.۲.۵ گردآوری و تدوین به جای تصنیف

با نگاهی به حجم فصول و مطالب گردآوری شده در آن و همچنین عدم انسجام و یکنواختی در نگارش متن می‌توان دریافت که نویسنده بیشتر مطالب را از کتاب‌های دیگر اقتباس کرده است. از این رو شخصیت نویسنده در لابلای این مطالب مقتبس پنهان مانده است، حتی گاهی تمییز میان گفته‌های نویسنده و مطالب منقول از دیگران دشوار می‌گردد. در همین راستا عدم پیروی از یک چهارچوب مشخص از دیگر آسیب‌هایی است که این اثر از آن رنج می‌برد. این آشفتگی در باب اول خود را بیشتر نشان می‌دهد. به عنوان مثال در ذکر نمونه‌ها و توضیحاتی که در ذیل هر یک از آن‌ها آمده است، این تردید را به ذهن متبادر می‌سازد که هریک از آن‌ها از منبعی جداگانه نقل شده است. در بسیاری از موارد به مفاهیم ابیات اشاره ای نمی‌کند و تنها به ویژگی‌های فنی و سبکی به صورت کلی و گذرا اشاره دارد، گاهی هم به تفصیل به تحلیل متن مورد نظر در دو بخش عناوین بنام القصیده (ص ۶۶) و التشکیل الجمالی (۶۸) یا عناوینی مشابه می‌پردازد. (ن.ک؛ صص ۸۷-۹۲)

۴.۲.۵ آمیختگی مطالب آموزشی و مباحث نقدی

هر اثر پژوهشی با توجه به اهدافی که برای آن ترسیم شده است دارای ویژگی های خاص خود است.

در اثر آموزشی مؤلف می کوشد بیشتر به معرفی مباحث پرداخته و ابعاد آن را برای مخاطب روشن سازد تا مخاطب بتواند ذهنیتی درست از آن پیدا کند؛ ولی در یک اثر نقدی یا به تعبیر دقیق تر نقد ادبی، تلاش بر آن است تا متن از جوانب مختلف از نظر شکل و محتوا سنجیده شود و محاسن و معایب آشکار گردد. شنطی پیش از آن که جماعت دیوان را به خوبی معرفی کند که لازمه یک اثر آموزشی است ولی معرفی این جریان ادبی را با یک سؤال آغاز می کند: «مدرسه الدیوان أم مدرسه شکرى؟» و در ادامه برای پاسخ به این سؤال نقل قولی را از طه وادی؛ یکی از ناقدان معاصر؛ می آورد و می گوید:

طه وادی بر این باور است که نامگذاری این شاعران به مکتب دیوان کاربردی نا به جا و غلط است و از عدم آگاهی واقعی به اهمیت موضوع است که بر زبان بسیاری از پژوهشگران جاری است؛ این نامگذاری برگرفته از کتابی به همین عنوان است که عقاد و مازنی آن را در سال ۱۹۲۱ و ۱۹۲۳ میلادی چاپ و منتشر کردند؛ این نامگذاری از آن جهت غلط است که این کتاب بیشتر از آن که بخواهد بنیان های هنری وادبی یا سنت های زیباشناختی را پایه گذاری کند به انتقاد و حمله روی می آورد. عقاد شوقی را به باد انتقاد می گیرد و مازنی منفلوطی و شکری را. کدام اشتباه تاریخی ممکن است روی داده باشد که نام یک مکتب ادبی را به نویسندگانی منسوب کنیم که مهم ترین پایه گذاران واقعی آن را آماج انتقاد قرار می دهند. باید گفت که شکری پایه گذار و پیشگام این رویکرد ادبی است. (ص ۱۲۸)

همان طور که مشاهده می گردد نویسنده پیش از آن که این رویکرد ادبی را به خوبی معرفی کند، بحث خود را با یک سؤال آغاز می کند و با نقل قولی از یک ناقد پاسخ می دهد. جالب توجه است که در ادامه می گوید: «حقیقت آن است که با جاهت و سلامتی که این دیدگاه دارد؛ دیگر نمی توان این اصطلاح را تغییر داد؛ اصطلاحی که بسیار رایج است و تبدیل به یک اصطلاح نقدی محکم و راسخ تبدیل شده است.» (ص ۱۲۸) ملاحظه می شود که شیوه نویسنده در ارایه مطالب نه تنها علمی نیست بلکه اساسا هیچ ضرورتی برای بیان آن وجود ندارد. زیرا بیشتر از آن که مخاطب اطلاعاتی درست از موضوع در

اختیار مخاطب قرار دهد ذهن او را مشوش می‌سازد. متأسفانه رد پای چنین رویکردی را می‌توان در جای‌جای مباحث کتاب مشاهده کرد. وی در ادامه همین مطلب می‌نویسد.

بنا بر دیدگاه طه وادی درباره شگری و جایگاه وی، باید این رویکرد ادبی را به شگری منسوب کنیم؛ با این همه و به نظر من، این کار ظلمی در حق دیگران است زیرا تلاش‌های عقاد در نظریه پردازی و تقویت بنیان فکری این مکتب غیر قابل انکار است. و نیز در مباحث نظری درباره شعر با توجه به کتاب «الشعر و غایاته و رسائله» نقش مازنی را نادیده گرفت. این کتاب دارای مباحث نظری بسیار مهم است که در استحکام بنیان‌های فکری این مکتب را مستحکم ساخته است؛ چگونه می‌توان همه این تلاش‌ها را نادیده گرفت و گفت شگری به تنهایی پایه گذار آن است (ص ۱۲۸).

در ادامه همین بخش و درباره خاستگاه و ریشه‌های فکری مکتب دیوان به بیان علل آن می‌پردازد و در خصوص دانش و فرهنگ بنیان‌گذاران آن سخن به میان می‌آورد؛ در بخش چهارم آن نیز همین شیوه را در پیش می‌گیرد ولی این بار موضوع را بدون نتیجه‌گیری رها می‌کند و حتی دیدگاه خود را هم بیان نمی‌کند. شنطی می‌نویسد:

شاعران این مکتب از دوران جوانی خود بر شعر قدیم عربی آگاهی کامل داشتند ولی محمد مندور در کتاب «الشعر المصری بعد شوقی» آن را نمی‌پذیرد و حتی منکر آگاهی و اطلاع گسترده ایشان بر زبان انگلیسی می‌شود؛ و می‌گوید به ظن قریب به یقین این شاعران با چند تن از شاعران برجسته دروره عباسی نظیر ابن الرومی، متنبی، ابوالعلاء و شریف رضی آشنا باشند و دلیل آن این است که نمونه‌هایی را که درباره جلوه‌هایی از تجدد و اصالت در اشعار خود می‌آورند در شعرهای دوره جاهلی و اموی سابقه داشته است و همین مطلب ثابت می‌کند که اطلاعی از شعر قدیم ندارند. مندور بر این باور است که عقاد درباره تسلط کامل بنیانگذاران مکتب دیوان بر زبان و فرهنگ انگلیسی مبالغه می‌کند و منبع اصلی آنان گزیده‌ای از اشعار انگلیسی است که در مجموعه‌ای با نام «الکنز المکنزی» منتشر شده است. این مجموعه را یکی از استادان اکسفورد گردآوری کرده است.... (ص ۱۳۷)

در اینجا هم نویسنده به جای معرفی ریشه‌های فکری مکتب دیوان به نقد آن از نظر محمد مندور می‌پردازد. به نظر می‌رسد آمیختگی مطالب آموزشی با مطالب نقدی علاوه بر سردرگمی مخاطب در فهم مطلب از ارزش علمی کتاب با توجه به اهداف اولیه آن کاسته است. لذا بهتر بود که نویسنده پس از تبیین و تشریح موضوع، بابی را با عنوان

«دیدگاه ناقدان» می‌گشود و در آن به بیان دیدگاه‌های نقدی می‌پردازد. ناگفته نماند که شنطی در معرفی جماعت آپولون بحث خود را با بیان علل و انگیزهای شکل‌گیری و علت نامگذاری آن به آپولون آغاز می‌کند سپس بحث نقدی را ذیل عنوان «موضوعی برای مناقشه» و با طرح سؤال «آیا جماعت آپولون مکتب ادبی هستند یا انجمن ادبی؟» دیدگاه ناقدان را بیان می‌کند. ای کاش این شیوه را در بخش‌های دیگر کتاب نیز رعایت می‌کرد.

۵.۲.۵. ناهماهنگی در پرداختن به رویکردهای ادبی

با این که شنطی می‌کوشد در معرفی رویکرد‌های ادبی بحثی فراگیر و جامع ارائه دهد و گاهی نیز وارد مباحث نقدی هم می‌شود ولی در معرفی و تبیین «شعر نو» راه ایجاز و اختصار را در پیش می‌گیرد و این بخش را شتابان و گذرا برگزار می‌کند. اما واقعیت آن است که تحول واقعی شعر معاصر چه در شکل چه در مضمون در بستر شعر نو خود را نشان می‌دهد در حقیقت شعر معاصر و مدرن عربی از رهگذر ساختار شعر نو به جهان معاصر معرفی شده است و بسیاری از شاعران بزرگ معاصر در این شیوه و سبک، هنر نمایی کرده‌اند و تاکنون در این حوزه منابع بسیاری در معرفی و نقد شعر نو به رشته تحریر در آمده است. می‌توان گفت جنبش شعر نو شعر را دستخوش دگرگونی کرده است. طه وادی در کتاب «جمالیات القصيدة المعاصرة» شعر معاصر را این‌گونه توصیف می‌کند: «قصیده معاصر قصیده‌ای ترکیبی، دارای ساختاری دراماتیک یا ویژگی حماسی یا چارچوبی داستانی و قصصی است.» (وادی، ۱۱) در تبیین و تکمیل این تعریف، می‌توان گفت: گذر از نظام و عروض خلیلی به نظام سطر و تفعله محور، گذر از اغراض شعری قدیم به تداخل و آمیختگی انواع ادبی، عبور از شعر فردی به شعراجماعی، خروج از مضامین فردی و پرداختن به مضامین انسانی و جهانی، خروج از تک‌گویی و روی آوردن به گفتگو، عبور از تک‌صدایی به چندآوایی، پرداختن به وحدت موضوع و دوری از پراکنده‌گویی، پرهیز از بیان معمولی و بگاری‌گیری زبان رمز و اسطوره و عبور از معنای لغوی و معجمی و وسعت بخشیدن به دلالت‌ها و گسترده کردن، قلمرو معنایی واژه‌ها و دوری از بیان مستقیم و روی آوردن به بیان غیر مستقیم و پوشیده‌گویی و بسیاری از ویژگی‌های دیگر شعر مدرن عربی، که همه و همه در شعر نو تبلور یافته است ولی نویسنده کتاب ساده و بی‌توجه از کنار آن می‌گذرد. عزالدین المناصرة که خود از شاعران

معاصر است در کتاب نقدی خود در باره شعر مدرن عربی با عنوان «جمرة النص الشعری»، بیش از دویست شاعر معاصر را در جهان عرب نام می‌برد که شعر نو سروده‌اند (مناصرة، ۱۱۵) ولی شنطی تنها به ذکر نام سه تن از شاعران؛ سیاب از عراق، فدوی طوقان از فلسطین و عبدالمعطی حجازی از مصر بسنده می‌کند و برای هر یک از آنان یک نمونه شعری می‌آورد. در بخش «ویژگی‌های شعر نو معاصر و رویکردهای آن» تنها به ذکر شش مورد از ویژگی‌های کلی آن و بدون ذکر مثال بسنده می‌کند. با این که مجال برای طرح مباحث نقدی درباره شعر نو بسیار فراخ و گسترده است و دیدگاه‌های فراوان و گوناگونی وجود دارد، ولی شنطی از کنار همه این موارد خاموش و بیصدا عبور می‌کند.

۶.۲.۵ پرداختن به گرایش‌های ادبی غیرمؤثر

گرچه نویسنده کتاب نهایت توان خود را به کار گرفته تا همه رویکردها و جریان‌های ادبی را به مخاطبان معرفی کند و در این هدف نسبتاً موفق بوده است، اما پرداختن به گرایش‌های ادبی غیرمؤثر به ویژه در بخش نثر معاصر، نه تنها حجم کتاب را افزایش داده بلکه از ارزش علمی آن کاسته است. در این خصوص می‌توان به بحث در باره مقامه نویسی اشاره کرد. ادبای عصر نهضت کوشیدند برای احیا و نوآوری در ادبیات به باز آفرینی برخی از فنون ادبی در شعر و نثر دست بزنند، در این راستا به نظیره گویی در شعر و استقبال از فنون نثر روی آوردند. این رویکرد تأثیر زیادی در احیای شعر فاخر عربی در دوره معاصر داشته است زیرا از آغاز نهضت ادبی معاصر تاکنون و با وجود جریان‌های ادبی گوناگون و نوآوری در شکل و مضمون، ساختار کلاسیک شعر عربی همچنان اصالت خود را حفظ کرده است و همواره شاعران معاصر در این عرصه هنرنمایی کرده‌اند. اما در نثر و به ویژه مقامه نویسی تنها در دوره کوتاهی در آغاز نهضت مورد توجه بوده است؛ زیرا مقامه نویسی از فنون نثر مصنوع و متکلفانه محسوب می‌شود و بیش از آن که در گسترش نثر نقش آفرین باشد؛ یک نوع تفنن و به رخ کشیدن توان فردی است و در صد ساله اخیر هیچ گونه اقبالی به آن نشده است. ولی شنطی در بخش نثر به آن پرداخته است و با ذکر نمونه‌ای از «المقامة الهزلية لليازجي» و پرداختن به رویکردهای مقامه از آن به تفصیل سخن گفته است. بحث درباره «خطابه» را نیز باید در همین راستا ارزیابی کرد.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که با هدف نقد ساختاری و محتوایی کتاب «الأدب العربی الحدیث؛ مدارس و فنونه و تطوره و قضایاه و نماذج منه» تالیف محمد صالح الشنطی و به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد که این اثر در کنار برجستگی‌ها، کاستی‌هایی هم در بخش ساختاری و هم در بخش محتوایی دارد.

نظم بخشی و سازماندهی مطالب در بخش‌ها و فصل‌ها، بهره‌گیری از عنوان‌های فرعی در تنظیم مطالب، تفکیک هر بخش با عنوان‌های مستقل، و سرانجام جمع‌بندی آن به صورت کوتاه و گویا از جمله برجستگی‌های ساختاری این کتاب است.

تنظیم شکلی مطالب در هر صفحه از نظر تعداد سطرها، حجم پارگراف‌ها و بهره‌گیری از عنوان‌هایی فرعی و سرانجام استفاده از فونت‌های ریز و دشت از دیگر برجستگی‌های ساختاری کتاب است که نقش زیادی در زیبایی ظاهری کتاب دارد؛ این اثر با توجه به آموزشی بودن از صفحه‌آرایی مناسبی برخوردار است.

ناهماهنگی میان عنوان‌های اصلی در فهرست و متن کتاب، ناهماهنگی میان عنوان‌های فرعی در متن کتاب و عدم انسجام در حجم مطالب از جمله کاستی‌های این کتاب است. در بخش محتوایی این اثر، جامعیت و فراگیری، هدفمندی در انتخاب متون، تحلیل و بررسی متون، پرداختن موضوعی به نوآوری‌های ادبی و تنوع و تعدد منابع تخصصی از جمله برجستگی‌ها است. و در بخش کاستی‌های محتوایی این موارد مشاهده شده است؛ عدم ارائه تعریف مشخص از اصطلاحات، دخالت عقاید شخصی در ارائه تحلیل‌ها، گردآوری و تدوین به جای تصنیف، آمیختگی مطالب آموزشی و نقدی، ناهماهنگی در پرداختن به رویکردهای ادبی و سرانجام پرداختن به گرایش‌های ادبی غیر مؤثر.

کتاب‌نامه

اکبری زاده، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی و نقد کتاب اعلام الأدب العربی الحدیث واتجاهاتهم الفنیة. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۹، شماره ۸، پیاپی ۷۲، صص ۱۵-۳۴.

۲۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱

رجبی، فرهاد. (۱۳۹۸). بررسی تحلیلی - انتقادی کتاب دراسات فی الأدب العربی الحدیث. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۹، شماره ۸، پیاپی ۷۲، صص ۱۳۷-۱۵۳.

سلیمی، علی. (۱۳۹۴). ضرورت بازتحلیل متون آموزشی گروه‌های عربی در دانشگاه‌های کشور رویکردی انتقادی به الشعر العربی الحدیث من احمد شوقی الی محمود درویش. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۵، شماره ۳۴ - شماره پیاپی ۳۴، صص ۹۱-۱۰۵. الشنطی، محمد صالح (۲۰۰۱)، الأدب العربی الحدیث؛ مدارسه وفتونه و تطورہ وقضایاه ونماذج منه، چاپ سوم، الرياض: دارالاندلس للنشر و التوزیع.

عشری زاید، علی (۲۰۰۲)، عن بناء القصيدة العربية، چاپ چهارم، القاهرة، مكتبة ابن سینا. مناصره، عزالدین (۲۰۰۷)، جمره النص الشعری؛ چاپ اول، اردن، عمان، دار مجدلای للنشر و التوزیع.

میرزایی، فرامرز و ابویسانی، حسین. (۱۳۹۳). تحلیل انتقادی الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۳۳، پیاپی ۳۳، صص ۱۴۷-۱۶۹.

میرزائی، فرامرز. (۱۳۹۸). تحلیل انتقادی کتاب فی نظریه الروایة: بحث فی تقنیات السرد تلاشی برای بومی‌سازی گفتمان‌کاوی داستان. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۹، شماره ۸، پیاپی ۷۲، صص ۳۳۱-۳۴۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی